آرایه‌های ارزشی و ضد ارزشی

* سید طه موسوی

آرایش به معنای آراستن فی‌نفسه عمل ارزشی است مگر آنکه عوامل بیرونی موجب شود تا یک امر خوب و ارزشی به عنوان ضد ارزش مطرح شود. به طور طبیعی انسان بازتابی از صفات الهی از جمله صفت جمال است و آنجا که خداوند جمیل است جمال و زیبایی را دوست داشته و آراستن به آرایه‌هایی که موجب زیبایی ظاهری و باطنی انسان می‌شود را دوست می‌دارد. انسان نیز به سبب آنکه مظهر صفات و اسمای الهی است این گونه است و زیبایی را دوست داشته و آراستن را می‌پسندد. اما گاه انسان عملی را با آراستن به آرایه‌های زیبا انجام می‌دهد که موجب می‌شود تا به عنوان یک عامل ضد ارزشی مطرح شود. شناخت عوامل ضدارزشی می‌تواند برای پرهیز از آن و جلوگیری از آثار و بازتاب منفی این عمل مفید و سازنده باشد. در مطلب حاضر ابعادی از موضوع آرایش و تزیین و آثار مثبت ارزشی و ضد ارزشی آن تبیین شده است.

***

انواع و اقسام آرایش و تزیین

آرایش اسم مصدر از واژه آراستن، به معنای افزودن امر خارجی به چیزی برای ایجاد یا افزایش زیبایی به آن چیز است. در فرهنگ قرآنی، واژه تزیین به همین معنا به کار رفته است. تزیین برگرفته از ماده «زین» و به معنای زینت دادن و آراستن است.

از نظر قرآن، زینت حقیقی عبارت از چیزی است که در هیچ حالتی در دنیا و آخرت موجب عیب و عار برای انسان نگردد و موجب افزایش ارزش و فضایل آن چیز شود.

آرایه‌ها در اصل به دو دسته اصلی: ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. آرایه‌های ذاتی، فضایلی است که در ذات آن چیز قرار دارد و موجب کرامت و شرافت آن می‌شود. از نظر قرآن، انسان دارای کرامت ذاتی است؛ زیرا فضایل اسمایی الهی در انسان سرشته شده است. خداوند می‌فرماید: ولقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی‌البر و البحر ورزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکبها برنشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. (اسراء، آیه ۷۰)

آرایه‌های اکتسابی، آن آرایه‌هایی است که انسان آن را با تلاش و کوشش کسب می‌کند و جزو فضایل خویش قرار می‌دهد.

همچنین آرایه‌ها می‌تواند ظاهری یا باطنی باشد؛ زیرا برخی از آرایه‌ها در باطن انسان است و تنها با رفتارهای ظاهری خودنمایی و بروز می‌کند؛ اما آرایه‌های بیرونی، آرایه‌هایی اکتسابی است که جزو سرشت و ذات نیست، بلکه جدا از انسان بوده و به سادگی آویخته و به آسانی از انسان جدا می‌شود.

عطر زدن در اسلام برای هیچ گروه و جنسیتی از جمله برای زنان و دختران جوان حرام نیست. اما چیزی که اسلام از آن نهی کرده است استعمال عطرهای خوش‌بوکننده مقابل نامحرم است.

از نظر قرآن، برخی از آرایه‌های خارجی اصولاً هیچ ارتباطی به انسان ندارد، بلکه زینت و آرایه چیز دیگری است و انسان گمان می‌کند که آرایه خارجی اوست؛ از جمله این آرایه‌ها می‌توان به مال و ثروت از حیوانات و گلستان و بوستان اشاره کرد که آرایه‌های زمین است نه آرایه‌های انسان. خداوند در آیات قرآن، ستارگان را زینت آسمان دانسته است. (حجر، آیه ۱۶؛ صافات، آیه ۶؛ فصلت، آیه ۱۲؛ ق، آیه ۶) همچنین قرآن، گیاهان را زینت و آرایه زمین دانسته نه زینت انسان (یونس، آیه ۲۴)

در یک کلمه هر آنچه در زمین آفریده شده زینت زمین و آرایه آن است: انا جعلنا ما علی الارض زینه لها لنبلوهم ایهم احسن عملا؛ ما هر آنچه بر زمین است آرایه زمین قرار داده‌ایم تا بیازماییم کدام یک از شما بهترعمل می‌کنید. (کهف، آیه ۷)

همچنین قرآن آرایه‌ها را به: ۱. آرایه زندگی دنیوی؛ ۲. و زندگی اخروی تقسیم‌بندی کرده و فرموده است: المال و البنون زینة الحیاة الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عنده ربک ثواباً و خیر املا؛ مال و فرزندان آرایه‌های زندگی دنیا هستند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش، نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید نیز بهتر است.(کهف، آیه ۴۶)

برخی نیز زینت‌ها را به سه قسم اصلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: ۱. زینت نفسی همانند علم و اعتقادات نیکو؛ ۲. زینت بدنی همانند قدرت و بلندی قامت؛ ۳. زینت خارجی مانند مال و مقام (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۳۸۸-۳۸۹، «زین».)

به نظر می‌رسد که زینت واقعی برای انسان تنها همان زینت‌های نفسی است، اما زینت‌های بدنی، زینت‌های ناپایدار و زینت‌های خارجی نیز ارتباطی به ذات انسان ندارد.زینت‌های واقعی را خداوند به انسان می‌دهد و زینت‌های موهوم، زینت‌هایی است که شیطان در وهم انسانی ایجاد می‌کند و انسان گمان می‌کند که آن امر موهوم زینت و آرایه است در حالی که این گونه نیست.

در قرآن کریم تزیین، گاه به خداوند، گاه به شیطان نسبت داده شده و در مواردی بدون نسبت فاعلی ذکر شده است (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۳۸۸-۳۸۹، «زین».)

باید یادآور شد که در قرآن برای بیان مفهوم آرایش و تزیین از واژگان دیگری همچون از ماده «حلی»، «زین»، «سول»، «زخرف»، «لؤلؤ و مرجان»، «استبرق» و هر آنچه که مفید معنای تزیین است، استفاده شده است.

آرایه‌های واقعی

از نظر قرآن، اموری به عنوان آرایه‌های واقعی مطرح است که انسان باید خود را به آن بیاراید. آراسته شدن به زینت‌هایی چون فضایل اخلاقی و اعمال صالح که باقیات صالحات برای آدمی است و سازه ابدی آدمی را می‌سازد (کهف، آیه ۴۶) امری مطلوب است و انسان باید خود را با آن بیاراید. قلب آدمی باید به آرایه‌های ایمان آراسته شود که مهمترین و اصلی‌ترین آرایه حقیقی و واقعی برای آدمی است؛ زیرا این ایمان است که به عنوان نور و برترین فضیلت آدمی او را در همه عوالم همراهی می‌کند و زینت‌بخش حقیقت آدمی است. خداوند می‌فرماید: ولکن الله حبب الیکم الایمان و زینه فی‌قلوبکم؛ ولی خداوند ایمان را برای شما محبوب کرد و آن را در قلوب شما زینت داد (حجرات، آیه ۷)

از نظر قرآن، برخی از امور زینت‌های زندگی دنیوی است. بنابراین، نباید به آن دل بست، بلکه باید آن را در محدوده دنیا و زندگی دنیوی دید و به کار گرفت. از جمله چارپایان و وسایل نقلیه که زینت‌ها و آرایه‌های زندگی دنیوی است (نحل، آیات ۵ تا ۸؛ آل عمران، آیه ۱۴)

آراستگی ارزشی و ضد ارزشی

آراستن به معنای فعلی از افعال مکلفین، متعلق احکام شرعی الهی می‌شود؛ زیرا هر کاری که انسان به اختیار انجام می‌دهد دارای یکی از احکام پنج‌گانه وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه است. از نظر قرآن، آنچه هر آنچه ضد ارزشی است به عنوان حرام و مکروه به نسبت درجه ضد ارزشی بودنش دسته‌بندی می‌شود؛ چنانکه هر آنچه ارزشی و مفید برای انسان و جهان و جامعه است به عنوان واجب و مستحب شناخته می‌شود. البته اموری که در میانه است و گرایش غلبه‌ای به یک طرف ندارد مجاز و مباح است.

از نظر آموزه‌های اسلام، واجبات و مستحبات به چیزهایی تعلق می‌گیرد که برای انسان و جامعه مفید است و در راستای حکمت و فلسفه آفرینش حرکت می‌کند؛ در مقابل، هر آنچه که برای جامعه و انسان و جهان مضر است به عنوان حرام و مکروه به میزان شدت و ضعف آن معرفی می‌شود.

در آیات قرآن آرایش‌های انسانی به چند نوع تقسیم شده و احکام واجب و حرام و مستحب و مباح و مکروه بر آنها بار می‌شود.

با کمال تأسف باید اذعان کرد که ناهنجاری آرایش زنان و ظاهر شدن در اجتماع با چهره‌های بزک کرده که خلاف شرع و اخلاق است تبدیل به یک رویه معمول و گسترده شده و می‌رود که جامعه را با آسیبهای روحی و روانی و اخلاقی جدی مواجه کند. در این اوضاع، نقش علماء و نویسندگان و نهادها و متولیان امور فرهنگی بسیار خطیر و حساس است و می‌طلبد آنان با احساس نگرانی نسبت به این پدیده خطرناک رو به تزاید، در جهت آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی تلاش کنند.

۱. استحباب استفاده از آرایش: خداوند در آیات بسیاری استفاده از آرایه‌ها برای آراستن و آرایش را پسندیده و مستحب بر شمرده است. خداوند در آیه ۳۲ سوره اعراف استفاده مؤمنان از زینت‌های خدادادی را مقصود اصلی از آفرینش آن آرایه‌ها می‌داند و اجازه نمی‌دهد تا کسی آن را حرام تلقی کرده و از استفاده آنها دست بردارد. خداوند به صراحت در آیه می‌فرماید: زینة‌الله التی اخرج لعباده. پس هدف از آفرینش زینتها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست. در آیه خداوند به صراحت، تحریم‌کنندگان زینتهای خدادادی را مورد نکوهش قرار داده است تا معلوم شود که از نظر خداوندتا چه اندازه استفاده از زینت‌ها و آرایه‌ها برای انسان و زندگی‌اش مفید و سازنده است. بنابراین انسان باید از آرایه‌ها به درستی استفاده کند و این امر نیازمند شناخت آرایه‌ها و چگونگی درست استفاده کردن از آنهاست. استفاده از آرایه‌ها می‌تواند در لباس و خانه و امور دیگر باشد؛ چنانکه حضرت سلیمان(ع) از زینت‌ها برای آرایش قصر خویش استفاده کرد و با شیشه و آب، آب‌نمایی بسیار زیبا ساخت که جلوه‌گری آن چشم‌نواز و فریبا بود. (نمل، آیه ۴۴) این استفاده در همه حال پسندیده و در حالت نماز و حضور در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است: یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد؛ ای فرزندان آدم زینت‌های خودتان را در نزد هر مسجدی برگیرید و به خود بیاویزید. (اعراف، آیه ۳۱) از نظر قرآن برای انسان به عنوان یک امر مستحب و گاه حتی واجب فرض است که از آرایه‌های گوناگون به درستی استفاده کند. همچنین میزان رسیدن هر کسی به این زینت‌ها بستگی به میزان تلاش و کوشش خود او دارد؛ به این معنا که امری اکتسابی است و باید برای آن تلاش کرد. (هود، آیه ۱۵)

۲- موارد و مواضع حرمت استفاده از زینت: چنانکه گفته شد، استفاده از زینت‌ها نه‌تنها خوب و پسندیده است بلکه در برخی از موارد واجب است مانند آراستن برای شوهر؛ چنانکه پیامبر(ص) فرموده است: علیها ان تطیب باطیب طیبها و تبس احسن ثیابها و تزین باحسن زینتها و تعرض نفسها علیه غدوه و عشیه و اکثر من ذلک حقوقه علیها؛ و باید خود را به خوش‌بوترین عطرهایی که دارد معطر کند و زیباترین لباس‌هایش را بپوشد و خود را به بهترین زینت‌هایش آراسته کند و صبح و شب خود را بر او عرضه نماید و حقوق مرد بر زن بیش از این موارد است. (کافی، ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۷) امام باقر (علیه‌السلام) نیز فرمود: لا ینبغی للمراه ان تعطل نفسها و لو تعلق فی عنقها قلاده؛ سزاوار نیست زنان آراستن خود را [برای همسرانشان] تعطیل کنند، هرچند به آویختن گردنبندی باشد. (کافی، ج ۵، ص ۵۰۹، ح ۲)؛ اما برخی از مواضع است که استفاده از آرایه ها حرام است و شخص نباید آن را استفاده کند مانند مناسک حج و نیز برای مردان حرام است که از برخی از زینت‌ها استفاده کنند مانند حرمت استفاده از طلا به عنوان زینت.

از نظر قرآن، استفاده اشرافی از زینت‌ها حرام است و نباید انسان از آرایه به شکل اسرافی استفاده کند؛ زیرا زیاده‌روی در تزیین، عامل محرومیت از محبت خداوند خواهد بود؛ یا بنی ءدام خذوا زینتکم... ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین؛ در استفاده از زینت‌ها اسراف نکنید؛ زیرا خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. (اعراف، آیه ۳۱) همچنین از مواردی که استفاده از زینت‌ها و آرایه ها به عنوان ابزار آرایشی حرام است، در مواردی است که زنان آن آرایه‌ها را برای نامحرمان به کار گیرند یا به گونه‌ای رفتار کنند که آرایه های مخفی آنان آشکار شود و نامحرمان آن آرایه را ببینند یا صدایش را بشنوند. از این رو خداوند از اظهار زینت آلات مخفی زنان در حال راه رفتن نهی کرده است. (نور، آیه ۳۱) در این آیه آشکار ساختن زینت بدن زنان، برای نامحرم، جز به مقدار متعارف نهی شده است. این زینت‌ها می‌تواند همان زینت‌های طبیعی زنان باشد که شامل اندام آنان است یا آرایه‌هایی که به خود می‌آویزند. بنابراین، جز مواضع جواز که صورت و کف دست باشد باید پوشیده بماند و آشکار نشود می‌دانیم که همه جای بدن زنان به سبب ویژگی‌های خاص به عنوان زینت، تاثیرگذار است. بر همین اساس خداوند تزیین برای زنان از کار افتاده و ناامید از ازدواج، در صورت کشف حجاب را نیز جایز نمی‌شمارد؛ زیرا این آرایه‌ها خود می‌تواند نقش منفی و ضدارزشی ایفا کند. (نور، آیه ۶۰)

از نظر قرآن، اموری به عنوان آرایه‌های واقعی مطرح است که انسان باید خود را به آن بیاراید. آراسته شدن به زینت‌هایی چون فضایل اخلاقی و اعمال صالح که باقیات صالحات برای آدمی است و سازه ابدی آدمی را می‌سازد امری مطلوب‌است و انسان باید خود را با آن بیاراید.

تزیین ضدارزشی شیطانی

آرایش و تزیین چنانکه گفته شد در اصل امری نیک و پسندیده است و تنها در مواردی به سبب آنکه تاثیرات منفی بر شخص یا جامعه به جا می‌گذارد حرام دانسته شده است. از نظر قرآن، در این موارد شیطان (محمد، آیه ۲۵؛ فصلت، آیه ۲۵) و هواهای نفسانی (یوسف، آیات ۱۸ و ۸۳) دو عامل مهم و تاثیرگذار هستند که اجازه نمی‌دهند انسان و جامعه در مسیر درست حرکت کند و با اسراف‌کاری در تزیین و یا تزیین در موارد و مواضع نادرست کاری می‌کند که انسان و جامعه تخریب شود و جامعه به انواع آلودگی‌ها مبتلا گردد.

عطر زدن نیز که بخشی از آراستگی به شمار می‌رود عمل مستحبی است که اسلام آنرا مورد تاکید فراوان قرار داده است.

عطر زدن در اسلام برای هیچ گروه و جنسیتی از جمله برای زنان و دختران جوان حرام نیست. اما چیزی که اسلام از آن نهی کرده است استعمال عطرهای خوش‌بوکننده مقابل نامحرم است. طبق نظر همه مراجع استعمال این‌گونه عطرها در مجامع عمومی که نامحرم نیز وجود دارد جایز نیست. (آیت‌الله مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۷۹۷ آیت‌الله تبریزی، استفتائات، س ۱۶۱۶ آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۶۷ و ۶۲۱ آیت‌الله نوری، استفتائات، ج ۱، س ۱۰۳۳ دفتر آیت‌الله وحید، آیت‌الله صافی، آیت‌الله بهجت، امام، آیت‌الله فاضل و آیت‌الله سیستانی، با استفاده از نرم‌افزار پرسمان) ولی قطعا استفاده از آن برای همسر و یا در مقابل محارم دیگر و یا در جمع بانوان جایز است، علت این امر هم واضح است چرا که اسلام حفظ حجاب و حیاء برای زنان و نگه‌داشتن حریم با مردان نامحرم را برای صیانت خانواده و اجتماع از مفسده‌های فراوانی که به همراه دارد واجب شمرده است.

عطر زدن دختران و زنان جوان در محیطهایی که نامحرم وجود دارد باعث جلب توجه مردان به آنان می شود که به نوبه خود مفاسد گوناگونی دارد. (سایت اسلام کوئیست)

حضرت رسول اکرم(ص) فرمود: لا یجوز لها ان تتطیب اذا خرجت من بیتها؛ جایز نیست زن با بوی خوش از خانه بیرون برود. (خصال صدوق ص ۵۸۷- بحارالانوار (ط- بیروت) ج ۱۰۰، ص ۲۵۵، ح)

متأسفانه بسیاری از خانم‌ها در جامعه ما نسبت به این موضوع بی‌تفاوت هستند و نه‌تنها در هر محیطی از عطرهای تند استفاده می‌کنند بلکه آن را وسیله‌ای برای جلب توجه قرار داده‌اند و سر اینکه بوی عطرشان خاص و تک و مشام‌نواز باشد با هم رقابت دارند و هزینه‌های زیادی را صرف آن می‌کنند، اینجاست که این عمل مستحب شکل یا عمل حرام را به خود می‌گیرد که مورد نفرت خداوند و مایه لعنت فرشتگان می‌شود.

استفاده کردن زن از لوازم آرایشی از قبیل، استعمال عطر، کرم، سرمه، حنا و... اشکال ندارد ولی باید آن را در برابر نامحرم بپوشاند.

ازنظر اسلام زن فقط می‌تواند برای شوهر و محارمش زینت کرده و خود را آرایش دهد؛ اما در هنگام بیرون رفتن از منزل و بین نامحرمان این کار جایز نیست و باید خود را کامل بپوشاند و بین اقسام و موارد آرایش فرقی نیست؛ چه برای چشم باشد و چه ابرو و...

روایاتی در باب عطر زدن زن وجود دارد که بعضا از آنها بر حرمت استعمال عطر و یا حکم زنا برای استعمال‌کننده آن- زن- تاکید دارد.

قال ابی عبدالله(ع): قال رسول‌الله (ص): ای امراه تطیبت ثم خرجت من بیتها فهی تلعن حتی ترجع الی بیتها متی ما رجعت(بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷)

امام صادق(ع) از قول رسول خدا - صلی‌الله علیه و آله - فرمود: هر زنی که خود را خوشبو کند و از منزل خارج شود تا زمانی که برمی‌گردد مورد لعنت (خدا و ملائکه) قرار می‌گیرد.»

از مجموع روایات صادره در باب نهی استعمال عطر در زنان و نیز سیره حضرت زهرا(س) (پوشاندن خویش از فرد نابینا که یکی از علل آن را استشمام بوی خویش توسط آن فرد بیان فرموده بودند) برمی‌آید که استعمال عطر برای زن و مرد فی‌نفسه مانعی نداردو تنها حکم حرمت آن شامل موردی می‌شود که استعمال عطر توسط زن تعمدا برای نامحرم باشد و یا جلب توجه کند، حتی اگر برای نامحرم استعمال نشود اما اگر جلب توجه نامحرم را کند، حرام است.

متأسفانه در عصر حاضر عده‌ای از زنان جامعه حاضر نیستند بدون آرایش و استعمال بوی خوش از خانه خارج شوند و توجیهشان این است که لازمه حضور در اجتماع داشتن ظاهری مرتب و تمیز و آراسته است، حال آنکه توجه ندارند که تمیز و مرتب بودن غیر از آراستن خود و معطر شدن و جلب توجه کردن است.

با کمال تأسف باید اذعان کرد که ناهنجاری آرایش زنان و ظاهر شدن در اجتماع با چهره‌های بزک کرده که خلاف شرع و اخلاق است تبدیل به یک رویه معمول و گسترده شده و می‌رود که جامعه را با آسیبهای روحی و روانی و اخلاقی جدی مواجه کند. در این اوضاع، نقش علماء و نویسندگان و نهادها و متولیان امور فرهنگی بسیار خطیر و حساس است و می‌طلبد آنان با احساس نگرانی نسبت به این پدیده خطرناک رو به تزاید، در جهت آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی تلاش کنند.

موارد آشکار کردن زینت در زنان

خداوند در قرآن به زنان اجازه داده که در برابر افرادی می‌توانند زینتهای خود را آشکار کنند. این افراد عبارتند از: شوهران، پدران، پدرشوهران، پسران، پسران شوهر، برادران، پسران برادر، پسران خواهر، زنان مومن، بردگان خود، خدمتکاران بی‌رغبت به زناشوئی و کودکان نابالغ بی‌خبر از مسائل جنسی (نور آیه ۳۱)

ان الله جميل يحب الجمال

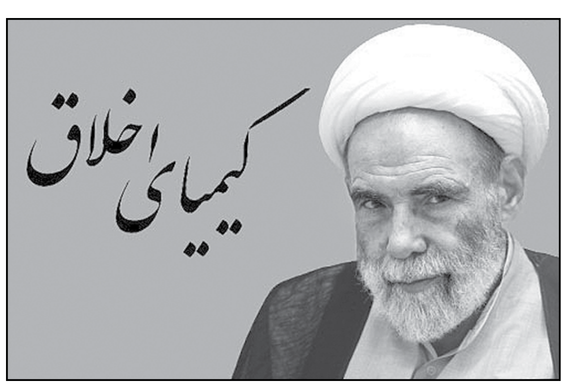

معیارهای بهترین همنشین از نظر پیامبر اکرم(ص)

ابن عباس روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه وآله نقل می‌کند که آن حضرت به طور بسیار واضح، آشکار و زیبا درباره همنشین سخن می‌گوید. ابن عباس می‌گوید: به پیغمبر اکرم(ص) عرض شد که «قیل یا رسول‌الله! ایّ الجلساء خیر؟»؛ کدامیک از همنشین‌ها خوب هستند؟ «قال: من تذکرکم الله رؤیته». بر اساس این سخن مبارک، بهترین همنشین در مرحله نخست، کسی است که صرف دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد. با دیدار او به یاد خدا بیفتد، نه اینکه با دیدار او اهرم شهوت تحریک شود و یا غضب انسان فوران کند. البته این از نظر ظاهر است، و الا یک معنای عالی‌تری دارد. این مرحله ابتدایی است که معاشر و مصاحب انسان باید چهره نورانی داشته باشد که با دیدار او به یاد خدا بیفتیم.

دوم: «ویزید فی علمکم منطقه» کسی برای تو معاشر خیر است که گفتار او به دانش و بینش تو اضافه کند؛ یعنی وقتی صحبت می‌کند، به بینش تو بیفزاید، نه اینکه جلوی بینش تو را بگیرد و تو را به شهوت و غضب راهنمایی کند.

سوم: «و یرغبکم فی‌الآخرة عمله»؛ جلیس خوب کسی است که عمل او انسان را مشتاق به آخرت کند و او را به آخرت، یعنی جهان دیگری ترغیب کند، نه این که عملش طوری باشد که انسان آخرت را فراموش کند و خیال کند که زندگی همین است و بس، یا اینکه عملش انسان را به حیوانیت دعوت کند.

معلوم می‌شود که دوست و رفیق، روی انسان نقش بسیار بزرگی دارد. اگر هیچ کاری نکند و حرفی هم نزد، قیافه او مؤثر است. البته اشتباه نشود! یک وقت انسان در رابطه با مسائلی، با دیگران برخوردهای عادی دارد. این مطلب سر جای خودش است، اما وقتی می‌خواهیم رفیق و معاشری انتخاب کنیم که با او انس داشته باشیم، باید این سه مطلب را درباره او رعایت کنیم. یعنی کسی که می‌خواهد با ما مأنوس باشد، باید به «شکل ظاهری»، «حرف و گفتار» و «عمل و کردار» او توجه داشته باشیم. پیامبر اسلام این معیارها را در اختیار ما قرا داده است.

با توجه به اینکه همنشینی رابطه مستقیمی است و این دو انسان از یک نوع بوده و از نظر قوای درونی مشترک هستند، لذا خیلی باید در انتخاب دوست دقت کرد. چون همان اهرم‌هایی که در دوست من وجود دارد، در وجود من هم موجود است. هر اهرمی از اهرم‌های داخلی او که رو به تزاید رفته باشد، عمل او مربوط به آن است و شکل، گفتار و کردارش در رابطه با آن اهرم تنظیم می‌شود و این روی انسان اثر می‌گذارد.

حرکت صعودی و نزولی در انسان

آموزه‌های دینی در کنار توصیه‌های فراوان به همنشینی با صالحان، بر پرهیز از مجالست با اشرار نیز تأکید کرده است. انسان چون در مهد طبیعت و دامن مادیت قرار دارد و قوای حیوانی‌اش قبل از قوای انسانی اش شکوفا می‌شود، میل او به طبیعت بیشتر است. لذا میل انسان به هر حرکتی که در این رابطه باشد، بیشتر است. اینکه گفته می‌شود: «میل انسان به شرّ بیشتر است»؛ همین است.

به عبارت دیگر، حرکت کمالی انسان، یک حرکت صعودی است؛ یعنی بالا رفتن و کمال عقلانی است. این کمال قلبی، روحی و معنوی زحمت و دشواری دارد. مثل پرنده‌ای است که دو بال دارد، اما به هر یک از پاهایش هم زنجیری بسته شده است؛ یکی زنجیر شهوت و دیگری زنجیر غضب؛ چون او در دامن طبیعت است، جاذبه هم اقتضا می‌کند که ثقل او به سوی مرکز باشد.

حال اگر بخواهد بپرد، خصوصاً با آن پایبندهایی که دارد، خیلی زور می‌خواهد. البته دو بال هم برای پرواز به او داده شده است که یکی بال «معرفت» - علم و ایمان - و دیگری بال «عمل» است.

با این دو بال باید پرش و صعود کند. با وجود اینکه در دامان طبیعت است و از نظر مزاج طبیعی، میل به مرکز طبیعت دارد، ولی اگر می‌خواهد سیر کمالی داشته باشد، باید حرکت کند. لذا حرکت کردن به سمت خیر- کمال و فضیلت- زحمت دارد ولی از آن طرف، حرکت به سمت رذایل مثل حرکت در سرازیری است، با یک هول دادن حرکت می‌کند.

تأثیر اشرار

اینکه می‌گویند: رفیق، دوست و معاشر خود را از میان اشرار انتخاب نکن، به این جهت است که انسان در مهد و دامن طبیعت است و میل او به شر بیشتر از میل او به معنویت است. چون از این پستان شیر خورده است، لذتش را چشیده؛ ولی هنوز لذت معنویت را آنطور که باید بچشد، نچشیده است. این طرف سرازیری است و او آسان‌تر حرکت می‌کند، اما آن طرف، سربالایی است؛ بنابراین دوستی انتخاب نکن که تو را به این ذلت و سقوط بکشاند. چون اگر از اشرار دوست انتخاب کنی، به سرعت به آن طرف خواهی رفت.

این مطلب را انبیاء و اولیای الهی به بیان‌های گوناگون مطرح کرده‌اند. پیامبر اسلام می‌فرمایند: «حفت الجنه بالمکاره و حفت النار بالشهوات»؛ بهشت به ناراحتی‌ها پیچیده شده است و جهنم در لابلای راحتی‌ها و خوشی‌های نفسانی است. این روایت همین معنا را می‌رساند؛ یعنی تحصیل رذایل اخلاقی خیلی آسان است، اما کسب فضایل اخلاقی مشکل است.

از کتاب اخلاق ربانی آیت‌الله آقا مجتبی تهرانی
به نقل از حوزه نیوز

راه رسیدن به روزی پیش‌بینی نشده

بر اساس آموزه‌های قرآنی ایمان به خدا و آخرت همراه با تقوای همیشگی الهی و توکل، راه بهره‌مندی از روزی‌های غیر برنامه‌ریزی شده و حل مشکلات است بی‌آنکه انسان به کسی یا چیزی دیگر نیاز داشته باشد. خداوند به صراحت می‌فرماید: وَمَنْ یَتّقِ اللهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَنْ یَتَوَکّلْ عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِکُلّ شَیْءٍ قَدْرًا ؛و هر کس از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند و گمانش را نمی‌برد، به او روزی می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است، خدا فرمانش را به انجام رساننده است، براستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.(طلاق، آیات ۲ و ۳)

هرچند انسان برای کسب روزی برنامه‌ریزی می‌کند و تدبیری می‌اندیشد که به آن هم می‌رسد؛ اما بهترین روزی آن است که از جایی که برنامه‌ریزی و پیش‌بینی نکرده برسد و شرط آن هم داشتن تقوا است. در آیه فوق تعبیر به عدم احتساب شده است، یعنی روزی از جایی می‌آید که تدبیری برای آن اندیشه نشده و گمانی به آن ندارد؛ یعنی از جایی روزی می‌آید که هیچ گمانی ندارد که از مسیر و اسباب به انسان چیزی برسد. البته آیه نمی‌گوید که روزی، بی‌حساب و کتاب است، بلکه برای هر چیزی حساب و کتاب دقیقی است و خداوند برای هر چیزی مقدرات و اندازه‌ای مشخص کرده که بیش از آن نمی‌آید. اما در اینجا سخن از روزی محاسبه نشده‌ای است که انسان گمان ندارد از آنجا به او چیزی برسد.

امام صادق(ع) می‌فرماید: إنّ اللهَ عزّ و جلّ جَعَلَ أرزاقَ المؤمنینَ مِن حیثُ لا یَحتَسِبُونَ ، و ذلکَ أنّ العَبدَ إذا لَم یَعرِفْ وَجهَ رِزقِهِ کَثُرَ دُعاؤهُ؛ خداوند عزّ و جلّ روزی مؤمنان را از جایی می‌رساند که فکرش را هم نمی‌کنند ؛ علّتش هم این است که وقتی مؤمن نداند روزی‌اش از کجا خواهد رسید، زیاد دعا می کند.(الکافی ، ج ۵ ص ۸۴، حدیث ۴ ؛ نیز ج ۱، ص ۸۳، حدیث ۵)

چراغ راه

لزوم تعامل با مردم و زیردستان با محبت

قال‌الامام‌علی(ع): «واشعر قلبک الرحمه للرعیه، و المحبه لهم و اللطف بهم و لا تکونن علیهم سبعا ضاربا تغتنم اکلهم»

امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر فرمود: دلت را از محبت به مردم و مهربانی و لطف در حق آنها پرگردان. مبادا مانند حیوان درنده در فکر دریدن آنان باشی. (۱)

---

(۱) - نهج‌البلاغه - نامه ۵۳

حکایت خوبان

جلب محبت با یادآوری داشته‌ها و مهرورزی

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: خداوند به حضرت داود(ع) فرمود: مرا دوست بدار و مرا محبوب خلقم گردان! حضرت داود(ع) گفت: پروردگارا! آری، من تو را دوست دارم، اما چگونه تو را محبوب خلقت گردانم؟ خدای متعال فرمود: نعمت‌هایم را برای ایشان یادآوری کن، زیرا وقتی نعمت‌هایم را برای آنان بازگو کردی، مرا دوست خواهند داشت. (۱)

در روایت دیگری آمده است که مردی به پیامبر اکرم(ص) عرض کرد: دوست دارم پروردگارم مرا مورد محبت خویش قرار دهد، چه کاری باید انجام دهم؟

حضرت فرمود: «ارحم نفسک و ارحم خلق‌الله، یرحمک الله» بر جان خویش و بر خلق خدا رحم کن، تا مورد محبت و مهر الهی قرار گیری. (۲)

انس بن مالک نقل می‌کند: هرگاه پیامبر یکی از اصحاب را سه روز نمی‌دید، درباره او سؤال می‌کرد، اگر آن فرد در آن شهر نبود، برایش دعا می‌کرد، اگر حضور داشت به دیدن او می‌رفت و اگر مریض بود از او عیادت می‌نمود. (۳)

---

(۱) - بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۲
(۲) - میزان‌الحکمه، ج ۱۴
(۳) - میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۶

پرسش و پاسخ

آسیب‌های مدیریت

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی چه خطرات و آسیب‌هایی مدیریت سازمانی را تهدید می‌کند؟

پاسخ:

در دو بخش قبلی پاسخ به این سؤال به مباحثی همچون: ۱- غفلت در برنامه‌ریزی ۲- اعتماد به سست عنصرها ۳- نداشتن سعه صدر ۴- غفلت در انتصاب‌ها پرداختیم؛ اینک در ادامه دنباله بحث را پی می‌گیریم:

۵- انتصاب مدیران کم‌تجربه

مدیریت، علمی است که آمیخته با تجربه است. یادگیری علوم مختلف برای احراز پست‌ها لازم است اما تجربه نیز شرطی مهم در این مورد است. چه بسا افراد زیادی که از دانش نظری خوبی نیز برخوردار بودند، اما چون تجربه‌ای در مدیریت نداشتند، در مدیریت ناموفق بودند. حضرت علی(ع) فرمود: «من قلّت تجربته خدع»، کسی که تجربه‌اش کم باشد، فریب خواهد خورد.(همان، ح۷۸۹۹)

متاسفانه بسیاری از طرح‌های ملی و کلان کشور گاه به مدیرانی سپرده می‌شود که کم‌تجربه‌اند. تعهد، تحصیلات عالی و دلسوزی، شروط لازم برای سپردن مسئولیت به مدیران است اما این شروط به تنهایی کفایت نمی‌کنند. تجربه باید ملاک اعطای مسئولیت به افراد باشد. دادن مسئولیت به افراد کم‌تجربه، موجب می‌شود که افراد باتجربه دلسرد شوند و دل در گرو کار نبندند. انتصاب افراد کم‌تجربه برای مسئولیت‌های مهم، خطری است که همواره مسئولان را تهدید می‌کند.

۶- غفلت از مشورت

خداوند به حضرت محمد(ص) دستور می‌دهد که با دیگران مشورت کند.(آل عمران- ۱۵۹)

حضرت علی(ع) نیز به مالک اشتر فرمان می‌دهد که با خردمندان مشورت کند. (نهج‌البلاغه- نامه ۵۳)

مشورت کردن با دیگران، شریک شدن در عقل و تجربه آنهاست. غفلت از مشورت موجب پناه بردن به استبداد می‌شود. مدیر همواره باید خود را نیازمند مشورت با مسئولان، کارکنان و صاحب‌نظران ببیند. حضرت علی(ع) درباره مشورت فرمود: «من استبد برایه هلک و من شاورالرجال شارکها فی عقولها»، کسی که به فکر خودش استبداد بورزد، هلاک می‌شود و کسی که با دیگران مشورت کند، با آنها در اندیشه‌هایشان شریک خواهد شد.(همان- حکمت ۱۶۱)

بنابراین یکی از آفت‌های خطرناک که عرصه مدیریت را تهدید می‌کند، این است که مدیر خود را از مشورت با دیگران بی‌نیاز ببیند.

۷- مدیریت از پشت درهای بسته

هر سازمانی از اجزایی تشکیل شده است که نیازمند هماهنگی است. برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و درازمدت نیز جزو وظایف مدیریت است. کنترل، سازماندهی، نظارت، هدایت و رهبری در یک سازمان به اطلاع دقیق مدیر سازمان از روند انجام کارها بستگی دارد. غفلت مدیر از روند کارهای روزمره سازمان، آفت مهم مدیریت است.

حضرت علی(ع) در این‌باره فرمود: «فلاتطولن احتجابک عن رعیتک فان احتجاب الولاه عن‌الرعیه شعبه من‌الضیق و قله علم بالامور»، پس دوری خود از زیردستانت را طول مده. به درستی که کناره‌گیری مسئولان از زیردستان، نوعی محدودیت و کم‌اطلاعی از امور است. (همان، نامه ۵۳)

مدیر به خاطر حضور در جلسات اداری و کارهای روزمره مجبور است که زمان زیادی از وقت خود را در دفتر خویش بگذراند. این امر نباید به جدایی بین مدیر و نیروها منجر شود. زیرا محدود شدن مدیر، به اتاق کار، موجب محدودیت کانال‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی وی و عدم اطلاع او از نواقص کار می‌شود.

۸- تکبر و غرور

تکبر خطری است که همه را تهدید می‌کند، اما مدیران بیشتر از همه در معرض این خطر هستند. تکبر آفت مدیریت است. حضرت محمد(ص) فرمود: «من احب ان یتمثل له الرجال قیاما فلیتبوا مقعده من النار»(۱۶) کسی که دوست دارد دیگران روبه‌روی او (به خاطر احترام) بایستند، جایگاهش در آتش است. (میزان‌الحکمه، ج۴، ص۸)

غرور موجب تباهی انسان می‌شود. مدیریت هنگامی ارزش است که سجایای اخلاقی را نابود نسازد. تکبر سبب می‌شود که مدیر احساس برتری نسبت به دیگران را به اندازه‌ای برساند که از حرکت کردن پیشاپیش کارکنان، لذت ببرد. حضرت علی(ع) فرمود: «ما اری شیئا اضر بقلوب الرجال من خفق النعال وراء ظهورهم»، من ندیدم چیزی را که برای قلب(ایمان)های مردم زیان‌بارتر از صدای کفش‌های پشت سر آنها باشد.(همان، ج۵، ص۲۰۶)

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir